

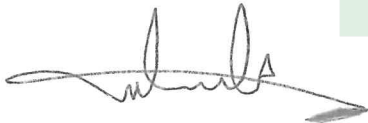
۱۱۰۰۷۹۶

۶

حضرت مستطاب آیت ۴ ط لسانی

محترماً "ما وظیفه خود میدانیم نظریات اصلاحی خود را در مورد قانون اساسی که بنظر ما در تدوین قوانین حاکم بر جامعه بمنظور تامین عدالت اجتماعی و تضمین آزادی ملت و ادامه استقلال مملکت مفید میباشد بعرض برسانیم و شما نیز بنوبه خود اگر نکته هائی در آن میبینید که تشخیص میدهید منظورهای بالا را تامین میکند استفاده فرمائید والا ما را بعزت این مزاحمت مورد بخشش قرار دهید *

شماره ۱ عده ای از خوشخواهان ملت



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زبانها»

شماره ۱ از سال ۱۳۳۱ در مجله هدایت (پایه اول)
دانشجوی رشته فقه

با نهایت احترام بنا بر وظیفه ملی و به پیروی از دستور امام خمینی مبنی بر بررسی و اظهار نظر درباره پیش نویس قانون اساسی مواردی چند که بنظر می‌رسد توجه بآن ضروری باشد بدینوسیله محروض می‌گردد تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در صورت مفید بودن در اصول مربوطه منظور گردد *

اصل ۱- رقم " ۹۸/۲ درصد " حذف شود و بجای آن " اکثریت قریب به اتفاق " ذکر گردد زیرا قانون اساسی باید هیچ رقم غیر مطمئن نداشته باشد و طوری نباشد که در آینده بتوان دلائلی بر معکوس بودن چیزی ولو جزئی در آن پیدا کرد که از اعتبارش بکاهد *

اصل ۲- به جمله " فرهنگ اصیل و پیوبای و انقلابی اسلامی " اضافه شود " و ارزشهای اصیل و مفید ملی " و بعد از " تعالیم الهی اسلامی " اضافه شود " برای تعالی و سعادت جامعه " زیرا ممکن است تعالیم الهی اسلامی را تعبیر به ترك دنیا و توجه به آخرت کرد همانطور که در قرون گذشته کردند و جوامع مسلمین نتیجتاً " مستعمره خارجیها شدند *

اصل ۴- حذف شود زیرا " اخلاق اسلامی " تعبیر گوناگون دارد و حتی بین متفکرین و مفسرین اسلامی نیز در این مورد اختلاف نظرهای بسیار متفاوت و حتی متضاد وجود داشته و تعبیرهایی هم بوسیله بعضی رهبران اسلامی همان است که با اصطلاح شیعه صفوی بخصوص یکی دو قرن اخیر را و همچنین مشابه آن در سایر مذاهب اسلامی که نتیجتاً " جوامع اسلامی را عقب نگه داشته است * در صورتیکه بایستی حتماً " اشاره به این مطالب شود جمله بدین ترتیب اصلاح شود که بعد از " اخلاق اسلامی " ذکر شود " که متضمن پیشرفت و ترقی و رفاه و بهبود زندگی در همه امور است " *

اصل ۶- در این اصل با توجه به اینکه نوع حکومت اسلامی است یعنی دین دخالت دارد و با توجه باینکه خیلی راحت میتوان با سوء استفاده از نام دین و تحت نام دین همه آزادیها را از بین برد و ملتی را تحت اطاعت کورکورانه در آورد و هر صدای حق طلبانه و آزادیخواهانه را بنام دین خفه کرد و عوام الناس هم چنین روشی را بخیال اینکه دین است که چنین حکم میکند میپذیرند و دیده ایم که چه ظلم ها بنام دین کرده اند و حکام جبار چگونه بنام دین مردم را به اعمالی که خلاف دین بوده کشانده اند مگر نه این بود که خلق مسلمان مثل فاجعه کربلا را با اسم اسلام پیش آورد لذا باید کلمه دین هم به آزادی و استقلال اضافه شود که " هیچکس بنام دین نمیتواند آزادی عقیده یا بیان و قلم و آزادیهای مشروع دیگر را از کسی سلب و یا به استقلال و تمامیت ارضی ایران کمترین لطمه ای وارد کند " و همچنین برعکس هیچکس هم نمیتواند بنام آزادی و استقلال بدین اشخاص کوچکترین لطمه ای وارد نماید *

اصل ۷- کلمه "سلطه جویانه" بعد از د خالت حذف شود زیرا مفهوم مخالفش اینست که ما حق دخالت غیر سلطه جویانه را بخود میدهیم که دیگران را به آنجا حاکم گردانیم ولی نمیخواهیم آنجا را مستعمره خود کنیم و تحت نفوذ خود داشته یا بهره وری کنیم و وقتی ما چنین حق برای خود قائل شدیم دیگران هم در مورد ما همین را برای خود قائل خواهند بود و لذا ما را دخالت جو در امور دیگران شناخته و مالا بضرر ما میباشد • اخلاقاً "هم حيله گرانه و دستاویز برای مقاصد سلطه جویانه خواهد بود • بنابراین لازم است حمایت از مستضعفین سایر نقاط جهان بر علیه مستکبرین در سطح مجامع بین المللی باشد که اصولاً "شاید بهتر است این جمله حذف شود یا اقلاً" ذکر شود "اخلاقاً" یا روحاً "حمایت میکند" •

اصل ۸- این اصل با اصل ۴ اگر باقی بماند و افرادی با نگرش خاص اسلام سنتی زمام را بدست بگیرند میتوانند يك شكل چند قرن قبل زندگی برای ایران تهیه نمایند البته اگر در دنیا کشورهای دیگر و قدرتمندان نبوده اند اشکالی شاید نداشت ولی بدیهی است چنین کشوری خیلی سریع زیر نفوذ قدرت‌ها در خواهد آمد که نقض غرض انقلاّب است از طرف دیگر در قانون اساسی نباید حدود و نحوه ارتباطات فنی صنعتی و کشاورزی که مرتب در تغییر و پیشرفت است معین شود و اصولاً "صنعت بومی ما چیزی جز صنعت دستی خیلی بدوی نیست و از کشاورزی بومی هم معلوم نیست چه منظوری حاصل است آیا نوع محصول است یا روش کشت • چه کسی میداند که شاید چند سال دیگر با استفاده از تجاری که کشفیات فضائی پیدا میشود و مطالعاتی در همین زمینه در کشاورزی انجام میگردد فرم جدیدی در کشت و نوع جدیدی از محصولات پدید نخواهد آمد که خیلی بهتر و مفیدتر و پربرکت تر از محصولات قبلی باشد • مگر نه اینست که با کشف آمریکا محصولات جدیدی بدنیای قدیم آمد مثل سیب زمینی و غیره و با چای دو قرن بیشتر نیست که بایران آمده آنوقت ما برای يك سیب زمینی جدید مجبوریم قانون اساسی خود را عوض کنیم • بنظر میرسد بهتر است نوشته شود "جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به هدفهای اقتصادی اسلام با رعایت اصل استقلال سیاسی و اقتصادی و جلوگیری از هرگونه وابستگی جامعه دیگران و بدون التزام به پذیرش نظام اجتماعی حاکم بر آنان از کلیه علوم و فنون پیشرفته جهان در امر توسعه کشاورزی و صنعت سالم استفاده میکند" •

اصل ۹- اولاً "بعد از کلمه کار" و "لازم است گذارده شود ثانیاً" با ترتیبی که بقیه اصل معنی میدهد ، اگر کسی خواست در منزل شما یا در کارگاه شما شروع به حفر چاه یا نصب يك کارگاه جاری کند شما نمیتوانید بعنوان اینکه مالک این منـزل یا محل کارگاه هستید مانع شوید و پیدا است که با این ترتیب چه وضعی پیش میآید • ثالثاً "جمله" امکان کار و کوشش برای هر کس چنان باید فراهم شود که هیچکس مورد بهره کشی و استثمار قرار نگیرد "در انتها این معنی را خواهد داد که دیگر هر کس خودش برای خودش کار کند و هیچ استخدام و کار فردی برای دیگری صورت نگیرد چون

هرکاری در مقابل مزد میتواند تعبیر به بهره‌کشی و استثمار شود و خلاصه حداکثر دنیائی مثل دنیای "ایوان ابله کوچک" تولستوی میشود و کاش میشد اینطور زندگی کرد و کاش عملی بود ولی آیا در دنیای امروز با بودن اینهمه دولتها و ملتهای قوی میشود در امان بود و در ممالك افريقائی و جنگل نشینان که ساده زندگی میکردند دول استعمارگر بسراغ آنها نرفتند و بهر نحوی بود آنها را اسیر خود نکردند حتی در همان صدر اسلام همان مسلمانها بسراغ اینها رفتند و افرادشان را برای بردگی بکار بردند و خرید و فروش آنها تحمل کردند • قسمت اخیر اصل باید اینطور اصلاح شود "هیچکس نمیتواند از راه قدرت مانع سعی و کار قانونی دیگری گردد و امکان کسار و کوشش برای همه طوری باید فراهم شود که هیچکس از ناچاری و اضطرار مجبور بقبول شرایط غیر عادلانه برخلاف میلش نگردد و نتیجتاً "مورد بهره‌کشی قرار نگیرد و بالاخره اضافه شود کارگر و کارفرما نباید خارج از حدود قانون از یکدیگر بهره‌کشی و استثمار نمایند" •

اصل ۱۰- بعد از کلمه "امکانات" کلمه "استفاده" اضافه شود در غیر اینصورت دولت در مردهی هم باید دانشگاه ایجاد کند •

اصل ۱۲- اگر قوانین مفیدی که مشوق مادری باشد و ترتیب صحیح برای آن پیش‌بینی و وضع گردد این اصل میتواند مفید باشد والا میتواند مورد استفاده برای جلوگیری از کار و فعالیت زن گردد و زن را بوضع قرون قبلی برگرداند که دیدیم و نتیجه مفیدی برای جامعه نداشت و مادران نتوانستند افراد خوبی برای جامعه تربیت کنند •

اصل ۱۸- کلمه "موازن اسلام" خیلی کش‌دار است و خودتان میدانید همیشه میگفتند شرع اقدس وسیع است و همیشه بنا بر احتیاج قدرت حاکم موازن اسلامی انعطاف پیدا میکرد و بهر حال این مورد خیلی محل بروز اختلاف و ناراحتی میتواند بشود بنا بر این با توجه باینکه در اصول دیگر گرفته شده است که مجلس حق وضع قانونی برخلاف اسلام را ندارد این اصل باین شرح اصلاح گردد "اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری است که باید بر طبق قوانین رسمی مملکت مصوبه مجلس شورای ملی تشکیل شود و به رسیدگی به دعاوی و حل و فصل آنها و حفظ عمومی و اجرای عدالت اسلامی بپردازد •

اصل ۲۳- کلمه "مال" باید بعد از جان اضافه شود والا از هم اکنون معلوم است که مال در این کشور متعلق به قدرتمندان خواهد بود و هیچکس اقدامی برای سرمایه‌گذاری مفید و مشروع نمیکند و سرمایه خود را خارج میکند "مال" در زمان پیکمیر و در بقیه ادوار نیز محترم و محفوظ بوده است و خلاف آن خلاف روح اسلام است •

اصل ۲۶- اولاً "بعد از کلمه" سیاسی "باید کلمه" فرهنگی "هم اضافه شود ثانیاً "باید بعد از" مشروط باینکه "قید شود" اقدام عملی نکنند "زیرا در غیر این صورت داشتن عقیده اینکه با تشیع این نظریه که مثلاً "یک جمهوری مستقل یا جمهوری فدرال چه محاسنی دارد و بهتر است هر چه خواهد شد و این خلاف

آزادی است و خلاف آنست که امام فرمودند پدران ما حق نداشتند تعیین شکل حکومت و قانون برای ماها بکنند بهمین ترتیب ما نیز حق نداریم فرزندان و نوه هایمان را محدود کنیم و مجبور کنیم که در صورت تمایل و فهمیدن اینکه نوع بهتری از حکومت را میتوانند برقرار کنند ناچاراً " باید دست به اسلحه و قیام و خونریزی بزنند مثل انقلاب کنونی و وقتی اسلام با آن محتوای کامل و عالی و رسا هست ترسی از اظهار عقیده دیگران در حال و آینده، توهین به اسلام و نشانه ضعف خواهد بود *

اصل ۲۹- حق تقدم دادن به هر گروهی مخالفت روح جامعه توحیدی است بهتر است بعد از کلمه " در این زمینه " نوشته شود " گروه یا افراد کم درآمد حق تقدم دارند " *

اصل ۳۰- این جمله در اول نوشته شود " ملیت و تابعیت حق طبیعی و قانونی افراد کشور است و سلب " *

اصل ۳۵- بعد از کلمه " معین میکند " اضافه شود " حکم بازداشت باید گویای اتهام و علت آن باشد مگر در جرائم مشهود و در صورت بازداشت موضوع اتهام با ذکر دلائل بازداشت باید ذکر شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت کتباً " به متهم ابلاغ گردد " *

اصل ۴۱- بعد از کلمه " ملک " کلمه " و چیزی را " اضافه شود *

اصل ۸۰- انتخاب رئیس جمهوری حداقل یکماه و حداکثر دو ماه قید شود زیرا در غیر این صورت رئیس جمهور ممکن است از یکسال قبل یا موقعیتی که میتواند وعده جالب بدهد و موقعیتش یا موقعیت مملکت به نفع او است انتخابات را انجام دهد که واضح است به نفع مردم نیست *

اصل ۸۹- بعد از " آغاز کند " اضافه شود " و در صورت عدم اقدام به انتخابات بموقع رئیس جمهور در پایان شش هفته محزول شناخته شده و دیگر مقامش صورت قانونی و رسمی ندارد " و در انجام انتخابات مجلس و ریاست جمهوری به شورای نگهبان محول که باید بلافاصله اقدام به انتخابات مجلس و ریاست جمهوری حداکثر در ظرف مدت شش هفته بنماید و در صورت عدم انجام و مجلس منحل گردد " صورت قانونی داشته و دولتی برای انجام انتخابات تعیین بنماید که در ظرف مدت دو ماه انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را انجام دهد " * ما چند بار در دوره مشروطیت دیدیم که دولتها باوجودیکه مکلف به انجام انتخابات قبل از پایان مجلس شورای ملی بودند ولی آنرا انجام ندادند و فترت ایجاد کردند و هر چه خواستند کردند چون شرط خلاف در قانون اساسی قبل پیش بینی نشده بود و حال هم ممکن است رئیس جمهور چنین کاری انجام دهد *

اصل ۹۵- در آخر اضافه شود " در این صورت بلافاصله بمجلس برای کسب مجوز اطلاع دهد *

اصل ۱۱۴- بعد از کلمه " مالیات " اضافه شود " و عوارض " *

اصل ۱۳۷— این اصل ممکن است موجب بروز اختلاف شود يك قاضی ممکن است تصویبنامه دولت را مخالف نداند و اجرا کند و دیگری مخالف بداند اجرا نکند بهتراست این اختیار به شورای عالی قضائی داده شود که در صورت تشخیص چنین مخالفت یا مغایر بودنی و شورای عالی قضائی آنها برای اظهار نظر قطعی یا به مجلس شورا و یا به شورای نگهبان قانون اساسی ارجاع کند و نظریه آنها لازم الاجراست و بدیهی است آن تصویبنامه و آئین نامه تا تعیین تکلیف از طرف مقامات مربوطه غیر قابل اجرا خواهد بود *

اصول زیر بنظر میرسد باید به قانون اساسی اضافه گردد :

۱— برای حفظ موثر بودن نفوذ معنوی روحانیت و قدرت ارشاد آنها و حفظ حیثیت و احترام دین و روحانیت این اصل اضافه شود که " در صورتیکه یکی از مراجع تقلید یا روحانیون متصدی مقامی دولتی در هر يك از بخشهای قوای سه گانه یا ریاست جمهوری بشود دستورات و گفته های او تنها بر مبنای اختیارات و اقتدارات شخصی و شغلی او میباشد و بهیچ وجه جنبه دستور یا گفته مقام مرجعیت یا روحانیت و دینی نخواهد بود و تصدی شغل و مقام از طرف آن شخص قبول این اصل است از جانب او فقط افراد منتخب در شورای نگهبان قانون اساسی در حدود وظایف شورا از این اصل مستثنی هستند " *

باید توجه کرد که اگر چنین نباشد هم به دین لطمه میخورد و هم به مملکت زیرا يك مقام در لباس روحانی اگر بنام دین دست به اعمال خلاف قانون و خارج از اختیار خود بزند و نتایج بدی ببار آورد به حساب دین گذارده شده و آبروی دین میرود و هم از طرف دیگر از زورگوئی و مجبور کردن مردم بقبول نظریاتش و خفه کردن مخالفین بنام دین جلوگیری نمیشود کرد *

۲— محل انعقاد مجلس شورای ملی پایتخت خواهد بود *

۳— پایتخت ایران تهران است *

۴— چون ایران یکی از ممالك شرقی است که استعداد فوق العاده زیاد برای تربیت و ایجاد دیکتاتور دارد چنانچه تاریخ نشان داده است لذا برای جلوگیری از آن لازم است يك محکم کاری کرد و آن بدین نحو است " هیچ افسر ارتشی و ژاندارمری و یا شهرانی حتی پس از بازنشستگی و همچنین هیچ روحانی و بخاطر تربیت و سابقه و عادت که به استفاده از قدرت خارجی در پشت دستورات خود (افسران با قدرت اسلحه و روحانی با قدرت مذهبی و خدائی) داشته است و پیوسته انتظار اطاعت مطلق بدون چون و چرا از دیگران داشته است لذا بسهولت نمیتوان با مردم مانند يك عضو مساوی صحبت کند و پس نباید مقام ریاست جمهوری را اشغال کند و اگر نیز انتخاب شد نباید قبول کند *